

در جستجوی ۳ یادمان فراموش شده بر دامنه البرز

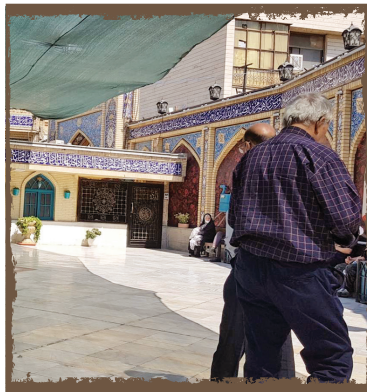
اهمیت «دوسکومی» خاطره‌انگیز روبه‌روی مسجد



نام: سقاخانه حصاربوعلی

موقعیت: خیابان شهید باهنر، حصاربوعلی

روزگاری در آبادی‌های شمیران که اکنون به محله‌های شمال شهر تبدیل شده‌اند، تا چشم کار می‌کرد باغ و بوستان وجود داشت و نهرهایی که در دل کوچه‌ها و باغ‌ها جاری بود. اگر چه دسترسی آسان به آب گوارا در آبادی‌ها و گذرها موجب می‌شد در قیاس با معابر مرکز شهر سقاخانه‌های کمتری در این محدوده ساخته شود، اما در نزدیکی تکاپا، حسینیه‌ها و امامزادگان پر شمار شمیران هم می‌شود از سقاخانه‌های قدیمی سراغ گرفت. سقاخانه نونوار محله حصاربوعلی که با نمای آجری و کاشی‌های فیروزه‌ای چند سالی است در این محله و همسایگی ساختمان شهرداری ساخته شده، یادآور سقاخانه کهن مسجد حصاربوعلی است؛ همان سقاخانه کوچک که اگر چه نشانی از آن باقی نمانده، اما اهالی حصاربوعلی با تماشای ظرف مخصوص این سقاخانه که به «دوسکومی» (ظرف بزرگ مسی پایه‌دار که در آن نوشیدنی می‌ریختند و در مجالس می‌گذاشتند) معروف بود و اکنون در تکیه پایین حصاربوعلی نگهداری می‌شود به یاد آن سقاخانه خاطره‌انگیز می‌افتند. حسن خان سفیدی، عضو هیأت امنای تکیه حصاربوعلی، در این باره می‌گوید: «در آبادی‌های شمیران قنات و آب‌گوارای فراوان وجود داشت و اگر رهگذری یا یکی از اهالی نیاز به آب پیدا می‌کرد کوزه‌ای برمی‌داشت و تشنگی‌اش را فرومی‌نشاند. با وجود این، سقاخانه قدیمی هم در شمیران کم نبود، مثل سقاخانه مسجد حصاربوعلی در مجاورت تکیه پایین که در زمان تخریب بیش از ۱۰۰ سال قدمت داشت. سقاخانه مسجد حصاربوعلی که با نیت اهالی قدیمی محله ساخته شده بود در ایام محرم رونق بیشتری داشت. اهالی در این سقاخانه کوچک برای حاجت‌رواشدن شمع روشن می‌کردند و دخیل می‌بستند. آب این سقاخانه هم که از قنات تامین می‌شد بسیار گوارا بود؛ همان آبی که اکنون از دل تکیه حصاربوعلی می‌گذرد و یادآور آن روزهاست. محرم که می‌شد ۴ ظرف مسی بزرگ را که شبیه گلدان‌های پایه‌دار بود در چهار سوی سقاخانه می‌گذاشتند. اهالی محله به این ظرف‌ها دوسکومی می‌گفتند. متولیان مسجد ظرف را با یخی که از یخچال نیوران تهیه می‌شد پر می‌کردند. آبی که در دوسکومی می‌ریختند چنان گوارا می‌شد که محال بود رهگذری از مقابل مسجد بگذرد و با کاسه‌های برنجی کوچکی که در دوسکومی‌ها قرار داشت گلوبی تازه نکند و صلواتی نفرستد.» سقاخانه مسجد حصاربوعلی در روند بازسازی مسجد تخریب شد اما اکنون سقاخانه دیگری با نیت اهالی محله به‌عنوان جایگزین آن سقاخانه خاطره‌انگیز در مجاورت مسجد و در دل تکیه پایین حصاربوعلی در حال ساخت است.



نام: سقاخانه دزاشیب، پس قلعه، جماران

موقعیت: محله‌های شمیران

آب نبرد گذشتگان و به‌ویژه در محله‌هایی که کسب و کارشان با کشاورزی گره خورده بود، حرمت بسیاری داشت تا جایی که بسیاری از پدران آب قنات را به‌عنوان مهریه دختران خود انتخاب می‌کردند. قرار گرفتن شمیران در دامنه کوه‌های البرز و مجاورت با توچال موجب شده بود که این منطقه سردسیر قنات‌های پرآبی داشته باشد.

سیدمهدی اعرابی، نویسنده و شمیران‌پژوه می‌گوید: «منطقه ییلاقی شمیران در زمستان‌های سرد و پربراش، جمعیت کمتری داشت، اما هوای گرم تهران در تابستان، زائران بسیاری را برای زیارت و سیاحت راهی این منطقه خوش‌آب‌هوا می‌کرد تا هم به امکان زیارتی شمیران بروند و هم از خنکا و هوای مطبوع این منطقه ییلاقی استفاده کنند. اغلب این مسافران در

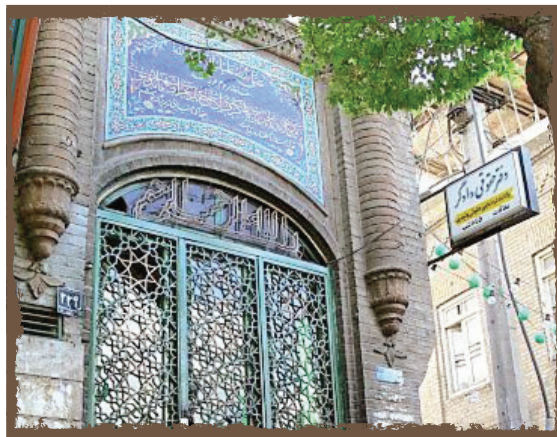
مجاورت امامزاده‌ها و بقاع متبر که اتراق می‌کردند. سقاخانه‌ها عموماً در کنار امامزاده‌ها و حسینیه‌ها و توسط یکی از خیران وقف می‌شد تا زائران خسته از راه، برای رفع تشنگی بتوانند پیاله‌ای آب با یاد تشنگی امام حسین (ع) بنوشند. در منابع تاریخی از سقاخانه دزاشیب یاد شده که در کنار حسینیه تاریخی دزاشیب بنا شده بود. حسین بلاغی، در کتاب «تاریخ تهران» توضیحات مختصری درباره این سقاخانه داده است. او با مراجعه به اسناد تاریخی و وقفی، گفته که سقاخانه دزاشیب با مساحتی در ابعاد یک‌متر مربع و در فاصله یک کیلومتری شرق امامزاده صالح (ع) تجریش قرار داشت. نمونه دیگری از این سقاخانه در ده پس‌قلعه و هم‌جوار با بقعه امامزاده ابراهیم (ع) در ارتفاعات دربند بوده است. همچنین بنا بر پژوهش منوچهر ستوده، مؤلف کتاب‌های جغرافیای تاریخی

راز شهرت قلمستان و ماجرای ماشین‌های آمریکایی

نام: سقاخانه حضرت ابوالفضل (ع) قلمستان

موقعیت: چهارراه ملک، خیابان شهید جوادیان (قلمستان سابق)

سقاخانه قلمستان دیگر شکل و شمایل گذشته را ندارد. روزگاری آقاسید، کفاش معروف محله، با دکه کوچکش همسایه سقاخانه بود. پنجره‌های مشجر و شمع‌های نیمه‌سوخته و کاسه آبی که در سقاخانه پر و خالی می‌شد تصویر قدیمی‌های قلمستان از سقاخانه است. محمودرضا علیمردانی، مدیر هیئت بیت‌العباس محله قلمستان، برایمان از سقاخانه می‌گوید: «این سقاخانه بیشتر از ۱۰۰ سال قدمت دارد.» علیمردانی ارادت مردم به این سقاخانه را اینگونه روایت می‌کند: «بچه‌ها بوم همیشه برایم جای تعجب داشت که چرا اطراف این سقاخانه این‌قدر ماشین گرانقیمت پارک می‌شود. با بچه‌های محله اگر می‌خواستیم ماشین‌های آمریکایی جدید را ببینیم به سقاخانه می‌رفتیم. این ماشین‌ها برای زنان و مردان به‌قول معروف بالا شهری و پولداری بود که آوازه این سقاخانه را شنیده بودند و برای نوشیدن آب و روشن کردن شمع به اینجا می‌آمدند.» علیمردانی می‌گوید: «به‌رسم هر سال در ماه محرم، اطراف سقاخانه را به یاد تشنگان کربلا سیاه‌پوش می‌کنیم. آب گوارا و شربت خنک به رهگذران می‌دهیم. پولی که مردم نذر سقاخانه می‌کنند برای نیازمندان جمع‌آوری می‌شود. این سقاخانه بخشی از هویت محله قلمستان است؛ کاش به‌عنوان میراث فرهنگی و محلی ثبت می‌شد تا برای همیشه به یادگار بماند.»



به یادگار از ادیب و فرهیخته عصر قاجار

نام: سقاخانه رضاقلی خان

موقعیت مکانی: خیابان مصطفی خمینی، خیابان تکیه رضاقلی خان

در میان سقاخانه‌های قدیمی و تاریخی شهر تهران سقاخانه مسجد رضاقلی خان یکی از معروف‌ترین و پرآستان‌ترین سقاخانه‌های شهر تهران محسوب می‌شود. به‌گفته علیرضا عسگری، پژوهشگر سقاخانه‌ها، بانی راه‌اندازی این سقاخانه رضاقلی خان هدایت از رجال ادیب و فرهیخته عصر قاجار و ناظم مدرسه دارالفنون بود. در واقع، کار ساخت سقاخانه ابتدا با راه‌اندازی تکیه شروع شد. عسگری درباره ماجرای ساخت سقاخانه مسجد رضاقلی خان می‌گوید: «رضاقلی خان هدایت از اهالی محله چال میدان و هم‌دوره ناصرالدین شاه بود. این مرد به‌دلیل موقعیت شغلی و اجتماعی‌اش بسیار مورد توجه مسئولان حکومتی و مردم عادی بود و به همین دلیل در محل زندگی‌اش یک تکیه برای عزاداری ایام محرم ساخت و آن را وقف کرد. با این اقدام نام کوچک و تکیه‌اش به نام این ادیب، رضاقلی خان، تغییر کرد. ناظم مدرسه دارالفنون مسجد، سقاخانه و آب‌انباری هم ساخت تا با این کار، ثواب دنیا و آخرت نصیبش شود.» به‌گفته این پژوهشگر، سرنوشت سقاخانه رضاقلی خان، تکیه و مسجد رضاقلی خان در دوره پهلوی اول به مدرن‌سازی تهران گره خورد و برای خیابان‌کشی و ایجاد نهر و جدول در محله سیروس بخشی از آنها تخریب شد. در حال حاضر آنچه از موقوفات به‌ویژه سقاخانه این ناظم مدرسه دارالفنون به یادگار مانده بخش کوچکی از تکیه و یک تابلوی نمادین از سقاخانه است.

